

۱۸ سال پشیمانی از خط امام



حزب توده ایران
جنبش خونین ۱۵ خرداد



رادیو پیک ایران ، برای اولین بار نوار سخنان
امام خمینی را در سراسر جهان منتشر کرد .



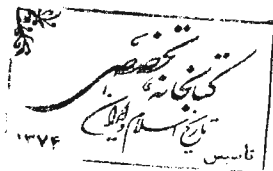
انتشارات حزب توده ایران



۱۸ سال پشیمانی

از خط امام

حزب توده ایران
و
جنبش خونین ۱۵ خرداد





انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸

۱۸ سال پشتیبانی از خط امام، حزب توده ایران و جنبش خونین ۱۵ خرداد

بهار ۱۳۶۰

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

بها ۴۰ ریال



ملت نمی‌گذارند که به این وضع ادامه دهی، آیا روحانیت و اسلام ارتجاع
سیاه است؟ انقلاب سفید کردی؟ انقلاب سفید بپاکردی؟ چه انقلاب سفیدی
کردی؟
چرا این قدر مردم را اغفال می‌کنی؟ چرا مردم را این قدر تهدید می‌کنی؟

از نطق امام در مدرسه فیضیه قم
۱۳ خرداد ۱۳۴۲
(پس از ایراد این نطق امام از سوی
دستگاه‌های امنیتی شاه بازداشت گردید)

— تمام گرفتاری‌های ما از آمریکا است، تمام
گرفتاری‌های مسلمین از آمریکا است.

امام خمینی



ما را کهنه پرست معرفی می‌کنند ، ما را مرتجع معرفی می‌کنند . . . می‌گویند
آخوندها که برق نمی‌خواهند ، طیاره نمی‌خواهند . . . این‌ها می‌خواهند به قرون
وسطی بازگردند ، آخوندها با این سیاه‌روزی که نصیب این مملکت است مخالفتند .
ما می‌گوئیم غلام حلقه به گوش نباشید . استقلال را حفظ کنید . . . ما با مظاهر
استعمار مخالفیم ، ما با ترقی زن‌ها مخالف نیستیم ، با این فحشاء مخالفیم ، مگر
مردها آزادند که زن‌ها می‌خواهند آزاد باشند . مگر آزاد زن و آزاد مرد در لفظ
درست می‌شود .

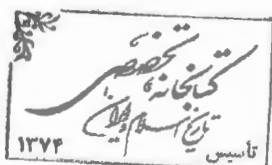
امام خمینی - مهر ۱۳۴۳

— آمریکا از من و شما سیلی نخورده ، آمریکا
از این ملت از این زاغ‌نشین‌ها سیلی
خورده .

امام خمینی



... این‌ها می‌خواهند اسرائیل با کمال راحتی هرکاری می‌خواهد در این‌جا بکنند، تا آمریکا با خیال راحت هرکاری می‌خواهد انجام دهد. تمام گرفتاری ما از آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست. این وکلا هم از آمریکا هستند. این وزراء هم از آمریکا هستند. همه تابع آن‌ها هستند، اگر نیستند چنانمی‌ایستند در مقابل داد بزنند. ... ملت موظف است در این امر صدایش دربیاید. از مجلس اعتراض بکند. به دولت اعتراض کند که چرا این کارها را کرده. چرا ما را فروختی. مگر ما برده شما هستیم. شما وکیل مانیستید. وکیل هم بودید اگر خیانت به ملت کردید خود به خود از وکالت بیرون می‌روید. باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس و نذارید این مطلب (قانون کاپیتولاسیون) از تصویب بگذرد. باید نذارید چنین مجلسی وجود پیدا کند. آن‌ها را از مجلس بیرون بریزید. ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم. ما این دولت را دولت نمی‌دانیم. این‌ها خائن به مملکت هستند.



حزب توده ایران

جنبش خونین ۱۵ خرداد



مقدمه

از جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، هیجده سال می‌گذرد. در همان روزهای پرتلاطم حزب ما، از طریق رادیوی بیک ایران، که نقش روزنامه‌ی روزانه حزب را به عهده داشت، ضمن دفاع بی‌قید و شرط از مبارزات مردم، به تحزیه و تحلیل رویداد پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ پرداخت تا حقایق مبارزه حوسین توده‌ها را اثبات کند.

دفاع اصولی حزب توده ایران از مبارزات مردم و پشتیبانی‌اش از روحانیت مترقی به حدی بود که رادیو دولتی و حراید زیرفرمان ساواک، بزرگ‌ترین حملات را علیه حزب ما و رادیو بیک ایران روا داشتند.

مجله خواندنیها نوشت:

" ارگان بی‌دینان دنیا، گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع می‌کند که گویی وظیفه پیامبری برعهده دارد."

(خواندنی‌ها، شماره ۶۷۲، ۴ خرداد ۱۳۴۴)

دفاع حزب ما از اپوزیسیون مترقی صد رژیم شاه مخلوع، از مبارزان صد-دیکتاتوری و صدامپریالیست، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهب، از مشی اصولی حزب ما ناشی می‌شود و در سراسر دوران ۲۵ ساله گذشته، جزء لاینفک مشی ضد دیکتاتوری و صدامپریالیستی حزب ما را تشکیل می‌داده است.

برخلاف دعاوی پرمکر و فریب مخالفان ما، دفاع حزب توده ایران از مبارزه روحانیت مترقی بر صدامپریالیسم و ارتجاع، از مشی "فرصت‌طلبانه" و "سازشکارانه" ناشی می‌شود، بلکه این دفاع نتیجه برخورد علمی و اصولی حزب ما به مرحله انقلاب و ارزیابی درست نیروهای انقلابی در این مرحله است.

خودفروختگی که به اشاره، سیا و ساواک، به حرکت درمی‌آیند و نیز مخالفان رنگارنگ حزب توده، ایران، مدام کوشیده‌اند تا به توسل به انواع دروغ‌ها و تحریف‌ها، تاریخ و سیاست حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را وارونه جلوه دهند. ایان، در این زمینه‌ها، علیه حزب ما خروارها کاغذ شناه کرده‌اند.

گروه‌های مائوئیستی و شبه مائوئیستی، که از این فرهنگ منحط تحریف و نیروبرد غایت برخوردارند، بویژه در این زمینه فعال‌اند.

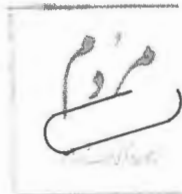
لکن ماسک "انقلابی" که این انقلابی‌نمایان برچهره داشتند، وادارشان می‌کرد که برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده، ایران، از دردیگری ورد میدان شوند. اگر محله، خواندنیها، دفاع حزب ما را از روحانیت مرفعی و سله، حمله به حزب ما قرار می‌داد، این گروهک‌ها، به قصد ایجاد اختلاف بین مسلمانان مبارز و حزب توده، ایران، موضع حزب ما را درباره، ۱۵ خرداد دگرگون جلوه می‌دادند. و می‌دهند و می‌کوشند حزب ما را در برابر روحانیت مرفعی و مسلمانان مبارز قرار دهند.

برای این که روشن شود که واقعا ما درباره، رویداد هفته خونین خرداد ۱۳۴۲ و روحانیت مرفعی و امام خمینی چه گفته و چه نوشته‌ایم، به کلیشه‌شماره-هائی از "مردم"، ارگان مرکزی حزب توده، ایران، و مقاله‌هائی از مجله "دنيا"، ارگان سیاسی شوریک حزب در این باره می‌پردازیم.

— اسلام پیش از هردینی و پیش از هر مسلکی
به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است. در
جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان
عقاید خود آزادند.

امام خمینی، ۱۶ آبان ۵۷ با روزنامه هلندی

هفته خونین خردادماه



هفته خونین
خردادماه

مردم، اول تیرماه ۱۳۴۲

پارو بیکر در همین ماه شعله‌های خشم و کین علیه سلطنت ضدملی و استبدادی محمد رضا شاه زبانه کشید. مبارزین مردم اسیر و رنج دیده ولی دلیر و غلبه ناپذیر ایران برای گسستن زنجیرهایی به تلاش شگرفی برخاستند.

هیچ دیده تیزی اگر در سطح حوادث نلفزد نمی تواند امواج سوذهای تظاهرات عظیمی را که دو هفته پیش در تهران و شهرستان‌ها روی داد نامیده بکند.

دولت و محافل وابسته به سازمان امنیت می‌کوشند برای این تظاهرات جنبه ارتجاعی و ضد اصلاحات قائل شوند و حتی آن را به قشر معینی از مالکین سودپرست و روحانیون جاه طلبی نسبت دهند که بنا به ادعای رئیس سازمان امنیت گویا با خارج می‌نویسند. این همان نظریه رسمی است که در جریان دو هفته اخیر رمزگشایی وسیله رادیو و مطبوعات دولتی انتشار یافته و خبرگزاری‌های خارجی نیز آن را در سراسر جهان پخش کرده اند.

دولت و مالکین گویا نمی‌توانند جلوه می‌دهند که گویا آن دهها هزار نفری که در تهران و شهرستان‌ها به خیابان‌ها آمدند و همه جا علیه شاه و دولت وی دست به نمایش زدند فریب خوردگان و برانگیختگان مشتکی عناصر واخورده و مزدور بوده‌اند که هدفی جز غارت و تخریب و مخالفت با اصلاحات ارضی و آزادی زنان نداشته‌اند. دولت برای اثبات نظر خود و متهم ساختن مجموع نهضت، وقوع برخی اتفاقات را از قبیل آتش زدن پارک شهر، حمله به زنان بی‌حجاب، تخریب بعضی از اماکن و کندن علائم عبور و مرور و هجوم به برخی از مغازه‌ها را که به وسیله عده معدود و معینی انجام شده است دست‌آویز قرارداده بدین وسیله می‌خواهد کشتار سبعانه و اعمال خلاف آزادی خود را توجیه نماید.

در این که محافل ارتجاعی کوشیده‌اند در ایام عزاداری از احساسات مذهبی

عددی سوءاستفاده کرده، گروهی از افراد عقابفاده و منعصب را به اعمال و رفتاری جاهلانه، ضدرفعی و برخلاف انسانیت برانگیزند و حتی شعارهای علیه اصلاحات ارضی و آزادی زنان در میان تظاهرات مردم پخش نمایند شکی نیست. حدی که خود مقامات دولتی عده‌ای از این گونه افراد را میان توده‌ها، به منظور لکه‌دار کردن تظاهرات مردم و ایجاد زمینه برای سرکوب نهضت گسیل داشته باشند. ولی به هر صورت این اعمال را به حساب کلیه تظاهرکنندگان گذاشتن و ده‌ها هزار نفر از مردم نهران و شهرستان‌ها را که علیه حکومت صدملی و استبدادی شاه قیام کرده تحت شعارهای سقوط شاه، آزادی زندانیان سیاسی و تأمین انتخابات آزاد به حرکت درآمده‌اند به عنوان مرتجع و مزدور قلمداد کردن حرمانوری به منظور توجیه کشتارهای فجیع و اعمال ضدانسانی دولت نیست.

آنچه مسلم است اینست که در تظاهرات خرداد ماه این قبیل جریان‌های فرعی است. مهم توجه به این حقیقت است که اگر با خشودی و نفرت از رژیم محمدرضا شاه در درون جامعه ایران ایستاده نشده بود، اگر مردم منتظر فرصتی برای ابراز کینه و خشم خویش بودند بدون تردید هیچ نیروی نمی‌توانست ده‌ها هزار تن از آن‌ها را با جنین شور و شوق و جاننازی به میدان نبرد با محمدرضا شاه بکشد. مردم ایران این تبلیغات را باور ندارند که هزارها نفر از مردم زحمتکش کشور ما که تشنه اصلاحات اجتماعی‌اند به هواداری از شعارهایی که صریحاً ارتجاعی است برخیزند. آنچه هم‌میهنان ما را به جنبش خردادماه برانگیخت چیز دیگری جز خواست دیرینه آن‌ها یعنی سقوط رژیم محمدرضا شاه نبود. اگر در تظاهرات سابق شعارهای ضد محمدرضا شاه در اثر ملاحظه از پلیس و ارتش صریحاً مطرح نمی‌شد در نهضت روزهای خرداد فریاد "مرده‌باد محمدرضا شاه" در فضای ایران طنین‌انداز بود. در این روزها مردم به تظاهر برصد رژیم اکتفا نکردند بلکه به مقاومت فعال در برابر نیروهای مسلح دست زدند و برای غلبه بر این نیروها جانبارانه کوشیدند.

حوادث هفته خونین خردادماه به جهانیان ثابت کرد که شیات رژیم شاه که این همه در اطرافش سروصدا می‌کنند دروغی بیش نیست. رژیم شاه از هیچ پایگاه اجتماعی قابل اعتنائی برخوردار نیست. تکیه‌گاه اصلی شاه سرتیژه‌های خون‌ریز اوست. فرار شاه از تهران بهترین دلیل تزلزل حکومت او و ترس او از توده‌های مردم است. سیستمی که در کشتار توده‌های مردم به کار رفت گواه تازه‌ای بر آنست که این دژخیم خلق ایران از هیچ جنایتی برای نگهداری تخت و تاج خویش روی‌گردان نیست. حوادث هفته خونین خردادماه بار دیگر نشان داد که مردم دشمن شماره یک خویش را به خوبی تشخیص داده و در نهضت خویش رژیم محمدرضا شاه و شخص او را هدف گرفته‌اند. حوادث هفته خونین خردادماه به مبارزان راه آزادی نوید می‌دهد که مردم ایران با همه مصائب و رنج‌هایی که

کشیده‌اند و قربانی‌هایی که داده‌اند در محاسبه، حوادث قرار ندارند و آماده همه گونه جانبازی و فداکاری‌اند. دستگاه‌های تبلیغاتی شاه می‌کوشند که نهضت ضد رژیم کودتا را با انتساب آن به شعارهای ارتجاعی آلوده گردانند و عمل قهرمانانه ده‌ها هزار از مردم ایران را در اعمال و بیات اشخاص معینی خلاصه کنند. وظیفه مبارزان راه آزادی و دموکراسی ایران مبارزه با این جعل و تحریف مبرورانه است. بدون تردید هیچ‌کس و هیچ مقامی نمی‌تواند به اندازه مردم زحمتکش ایران به شعار اصلاحات عمیق ارضی، واگذاری زمین رایگان بدهقانان و برانداختن رژیم ارباب رعیتی علاقه و دلبستگی داشته باشد. بزرگ‌ترین پشتیبان این شعارها و نیرومندترین وسیله اجرای آن‌ها خود مردم است. بنابراین نباید اجازه داد که محمدرضا شاه صدای مردم را با صدای مالکان ارضی و دستیاران روحانی نمای آن‌ها مشتبه گرداند.

هموطنان ما در اثر سال‌ها تجربه به درستی دریافته‌اند که برای سبیل به آزادی و سربلندی ایران یک راه بیشتر وجود ندارد و آن برانداختن رژیم کودتا با نیروی خلق و سپردن زمام امور به دست خود مردم است. هموطنان هوشیار ما باید در کلیه مراحل دوست را از دشمن، هم‌رزم را از پرووکاتور بشناسند و صفوف خود را از ایادی محافل ارتجاعی پاک نگهدارند و امکان ندهند که محمدرضا شاه، این بزرگ‌ترین اسارت‌گر مردان و زنان ایران از حوادث اتفاقی سوء استفاده کند و نهضت خلق را به مخالفت با رهائی زنان و اصلاحات ارضی متهم گردانند. آنچه در هفته خونین خرداد گذشت بیش از پیش لزوم اتحاد کلیه نیروهای ملی و ضد استعمار، لزوم طرح برنامه عمل مشترک را برجسته می‌سازد. مصالح حیاتی ملت ایران حکم می‌کند که کلیه کوشش‌ها در راه تحقق این اتحاد متمرکز گردد.

— در هر کشور کارگر و کشاورز اساس آن کشور
هستند. اساس اقتصادی کشور بسته به کارگر
و کشاورز است. الان مملکت باید مال خود
شما باشد.

امام خمینی. ۵ تیر ۱۳۵۸

به یاد خرداد خونین



مردم، پانزدهم خردادماه ۱۳۴۳

توده‌ها ستم‌دیده و مظلوم مردم که رژیم کتونی هرگونه راه‌دادخواهی و ابراز عقیده را بر آن‌ها بسته است در این مراسم که ریاکارانه از طرف حکومت "مجاز شمرده می‌شود" با یادآوری وقایع کربلا و ذکرمصائب حسین بن علی و کسان او به بدبختی‌ها و مصائب خویش نیز فکرمی‌کنند. کینه و نفرت مردم، سوزدل و اشک روان آن‌ها تنها مربوط به ستم‌گری و بی‌داد خلفای فاسد بنی‌امیه نیست. ناله و ضجه زنان و مردان فقط از ظلم شمر و ابن زیاد به آسمان نمی‌رود بلکه بیشتر متوجه بی‌عدالتی‌ها و رنج‌هایی است که هریک به نوعی دچار آن هستند. در چنین حالت روحی و در چنین تجمعی عظیم سال گذشته به یک بار عقده دل‌ها ترکید، آنچه در دل مردم بود بر زبان آمد، توده‌های پرهیجان سیلی از کینه و نفرت به جانب شاه و علم روان کردند و ناخشنودی خود را از زندگی رنج‌باری که دارند با دادن شعارهای ضدشاه و علم ابراز نمودند. این که چه کسی و یا چه گروهی اولین شعله کبریت را به این مخزن پرباروت زد مهم نیست پرزحمت می‌کند.

توده‌ها ستم‌دیده و مظلوم مردم که رژیم کتونی هرگونه راه‌دادخواهی و ابراز عقیده را بر آن‌ها بسته است در این مراسم که ریاکارانه از طرف حکومت "مجاز شمرده می‌شود" با یادآوری وقایع کربلا و ذکرمصائب حسین بن علی و کسان او به بدبختی‌ها و مصائب خویش نیز فکرمی‌کنند. کینه و نفرت مردم، سوزدل و اشک روان آن‌ها تنها مربوط به ستم‌گری و بی‌داد خلفای فاسد بنی‌امیه نیست. ناله و ضجه زنان و مردان فقط از ظلم شمر و ابن زیاد به آسمان نمی‌رود بلکه بیشتر متوجه بی‌عدالتی‌ها و رنج‌هایی است که هریک به نوعی دچار آن هستند. در چنین حالت روحی و در چنین تجمعی عظیم سال گذشته به یک بار عقده دل‌ها ترکید، آنچه در دل مردم بود بر زبان آمد، توده‌های پرهیجان سیلی از کینه و نفرت به جانب شاه و علم روان کردند و ناخشنودی خود را از زندگی رنج‌باری که دارند با دادن شعارهای ضدشاه و علم ابراز نمودند. این که چه کسی و یا چه گروهی اولین شعله کبریت را به این مخزن پرباروت زد مهم نیست

مهم اینست که فشار رندکی و نارصایتی از حکومت شاه و وضع موجود آن فدر بود که مردم مترصد فرصتی بودند تا دود دل و آه سینه خود را بر ملا کنند. اگرچه چنین بود چگونه ممکن می‌شد ده‌ها هزار نفر از مردم عادی را به تظاهرات علیه شاه کشاند، تظاهرات مردم علی‌رغم شور و شدتی که داشت مسالمت‌آمیز بود. اما واکنش حکومت لرزان شاه در مقابل مردم به قدری شدید، ظالمانه و بی‌رحمانه بود که از حد تصور خارج است. شاه و دولت علم تمام نیروهای مسلح خود را یکباره به مقابل مردم آوردند. ارتش، پلیس، سازمان امنیت و دسته‌های مأمور خرابکاری با تمام تجهیزات به مردم بی‌سلاح حمله کردند و مراکز میعیبی را برای بدنام کردن تظاهرات مردم آتش زدند. صدای صغیر گلوله و غرش تانک‌ها تهران را به لرزه درآورد. رکنار مسلسل‌ها در تهران و شهرهای دیگر هزاران نفر زن و مرد و کودک بی‌گناه را مانند برگ خزان بر روی زمین ریخت، سیلی از خون پاک مردم در خیابان‌ها و کوچه‌ها جاری شد و هزاران خانواده داغدار شدند. مردم و شاه قیافه واقعی خود را نشان دادند. تصویری از جگرخوین مردم با خون آن‌ها بر خاک نقش بست و درکنار آن قیافه واقعی مردی سفاک و خوحوار یعنی شاه ریاکار آشکار گردید. شاه و بلندگویان رژیم او سعی بسیار کردند که این نمایش بزرگ خلق را به صورت تحریکی از طرف فئودال‌ها و مالکان و عده‌ای از روحانی نمایان جلوه‌گر سازند و جنایات فجیع خود را زیر انبوهی از اتهامات ناروا بیوشانند. ولی حوادث یکسال اخیر نشان داد که این قبیل نیرنگ‌ها بیش مردم ایران رنگی ندارد و افکار عمومی به آن درجه از آگاهی سیاسی و رشد اجتماعی رسیده است که دوست را از دشمن تشخیص دهد و عیار این تبلیغات را بشناسد. با وجود تمام سروصداها و تبلیغات دستگاه دولتی درباره تحریکات مالکین و فئودال‌ها حتی یک نفر از آن‌ها به محاکمه جلب نشد و اعدام کسانی مانند طبیب که خود روزگاری در عداد همکاران کودتاجیان بود، با همه شجاعت، نتوانست مردم ایران را بفریبد.

مردم حادثه خرداد خونین سال ۱۳۴۲ را که خوین‌ترین صحنه دوران حکومت حیانکار شاه و دارودسته اوست هرگز فراموش نخواهند کرد. حوادث خردادماه ۱۳۴۲ و گشتار وحشیانه سال گذشته در عین این که آتش کین و حشم مردم را علیه رژیم صدملی و حایر شاه تیزتر کرد یکبار دیگر ثابت نمود که بدون سازمان و داشتن نقشه صحیح عمل هیچ مبارزه‌ای بوزنه در دوران کنونی که ارتش دولت ارتجاعی با تمام وسائل برای سرکوب نهضت آماده است، به نتیجه نمی‌رسد و نیز این حقیقت دیگر را به ثبوت رساند که اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک شرط لازم پیروزی در مبارزه علیه استعمار و استبداد است. اینست درس‌های عمده‌ای که باید از حوادث خونین خردادماه گرفت. مبارزات آینده مردم ایران و بکار بستن این تجربیات گرانها نشان خواهد داد که خون هزاران نفر مردم زحمتکش کشور ما در حوادث خردادماه ۱۳۴۲ سیه‌وده بر زمین نریخته است.

روی سخن ما با پیشوایان دینی و روحانیون است

مردم ، پانزدهم مرداد ماه ۱۳۴۴

مهن و مردم ما دوران بحرانی حادی را می‌گذرانند. مبارزه‌ای خونین، مبارزه برای مرگ یا زندگی سب مردم ایران از یک طرف و استعمار و شاه و ارتجاع از طرف دیگر درگیر است. در این مبارزه، پیشوایان مذهبی و طیف‌های بزرگ از هر لحاظ به عهده دارند. تاریخ آن‌ها را در سر دو راه حق و باطل قرار داده و باید یکی را برگزینند. با باید عون و نارمطلومان و ستم‌کشان شوند و خصم ظالمان و ستم‌گران گردند یا آن‌که نوکری شاه و اربابان او را برگزینند و لباس و عنوان روحانیت را بازحیه، عوام‌فریبی‌های دربار پهلوی کنند. سیاست شاه و حکومت‌های مولود او اینست که روحانیون ایران را به طرف خود جلب کند و آن‌ها را تحت این عنوان که روحانیت در سیاست مداخله نمی‌کند از هرگونه فعالیت اجتماعی بازدارد. اما بسیاری از روحانیون به کنه سیاست شاه واقفند. آیت‌الله خمینی که مستعنی از توصیف است در سخنان خود در روز جمعه ۲۱ فروردین امسال در قم چنین گفته است: "من یاب نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم". "من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم". "باید این مملکت را از این گرفتاری‌ها نجات داد". "اجانب نمی‌خواهند مملکت آباد شود". به این ترتیب آیت‌الله خمینی سیاست سکوت و سازش را محکوم می‌کند و مبارزه علیه اجانب و حکومت فاسد شاه را واجب می‌شمرد. آیت‌الله خمینی به درستی درباره، سرمقاله اطلاعات تحت عنوان "اتحاد مقدس" می‌گوید: "در سرمقاله نوشته‌بودند که با روحانیت تعاهم شده و روحانیون با انقلاب سعیدشاه و ملت موافق هستند. کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ این انقلاب

مربوط به روحانیت و مردم نیست ."

آیت‌الله میلانی در اعلامیه خود چنین می‌گوید: "... ملتی کارد به استخوان رسیده بر اثر فشار ظلم و بی‌دادگری هیئت حاکمه خود و با ایمان به صحت راهی که می‌رود مبارزه را علیه حکومت فعلی شروع کرده و تارسیدن به مقصود و ایجاد یک حکومت مشروع قانونی... از پای نخواهد نشست... حق مردم باید به خود مردم واگذار شود و حکومت ملت به خودش سپرده شود."

آیت‌الله شریعتمداری در همان موقع که شاه و دستگاه تبلیغاتی روحانیون مبارز و مرفقی را به حمایت از ارتجاع و مخالفت با اصلاحات متهم می‌کردند طی اعلامیه‌ای صراحتاً اعلام داشت که روحانیون مرفقی مخالف هیچ‌گونه اصلاحات ارضی نیستند بلکه مبارزه آن‌ها متوجه دستگاه جور و بی‌داد و فانون شکنی و استبداد است. بدون تردید پیشوایان مذهبی، به علت موقعیت و نفوذ کلمه‌خویش در میان متدینین مسئولیت و وظیفه مهمی به عهده دارند. در شرایط تاریخی امروز وظیفه آن‌ها به صرف بیان مسائل مذهبی و انتشار رساله تقلید محدود نمی‌شود بلکه وضع بحرانی مردم و کشور ما آن‌ها را در برابر چنان وظایفی قرار داده است که انجامشان بدون شرکت فعال در مبارزه عمومی مردم ایران امکان پذیر نیست.

تاریخ میهن ما نشان می‌دهد، کسانی که در لباس پیشوایان دینی و روحانیت بوده‌اند در موارد بحرانی به دو دسته تقسیم شده‌اند. گروهی در صف توده مردم قرار گرفته و در راه هدف‌های عادلانه آن‌ها تا سرحد مرگ پیش رفته‌اند و دست‌های نیز با دشمنان مردم، با سلاطین جبار و حکام ظالم و ستم‌گر ساخته‌اند و ارمه‌ام مذهبی خود به ضرر ملک و ملت سوء استفاده کرده‌اند. در نهضت مشروطه علمائی چون شادروان طباطبائی، بهبهانی و آخوند ملاکاظم خراسانی و خطبائی چون سید جمال واعظ اصفهانی، ثقة الاسلام تبریزی، ملک‌المتکلمین و نظائر آن‌ها جزء گروه اول و در ردیف کسانی هستند که نفوذ و شخصیت و قدرت بیان خود را در راه مصالح مردم، در راه استقلال و آزادی ایران، در راه برانداختن حکومت خودسری پادشاهان قاجار به کار انداختند و عده‌ای از آن‌ها با سربلندی و افتخار به شهادت رسیدند. مردم از آن‌ها به نیکی یاد می‌کنند و مقام ارجمندی برایشان قائلند. برعکس این گروه، کسانی چون سید کاظم یزدی، شیخ فضل‌الله نوری، سید هاشم دوچی و امثال آن‌ها به حمایت از دربار برخاستند و جز نام ننگین از خود به یادگار نگذاشتند.

رفتار دستگاه فاسد حاکمه نسبت به پیشوایان مذهبی همیشه تابع روش آن‌ها نسبت به این دستگاه بوده است: اگر از منافع هیئت حاکمه دفاع کرده‌اند و نفوذ خود را به نفع آن‌ها به کار برده‌اند نزدشان محترم و معزز و مورد حمایت بوده‌اند و اگر به طور جدی در مقام دفاع از منافع و خواست‌های مردم برآمده‌اند، منفور، مطرود و دچار انواع بلایا و مصائب شده‌اند. رفتار شاه و حکومت او نسبت به آیت‌الله خمینی و آیت‌الله طالقانی و دیگر روحانیون مرفقی، توقیف و هتک

احترام آن‌ها، نمونه‌ای از خط‌مشی شاه در مورد روحانیون است. رفتار مردم نیز نسبت به روحانیون در رابطه مستقیم با رویه‌ای است که آن‌ها در قبال خواست‌های مشروع خلق اتخاذ کرده‌اند. یک‌روز سید کاشانی را مردم به این دلیل که در نهضت ضد استعماری فعالانه شرکت می‌کرد روی دست می‌بردند و کسی جرات نداشت به مقام روحانی و اجتماعی او اهانت کند ولی به محض این که فریب دربار را خورد و علیه حکومت قانونی دکتر مصدق وارد دسته‌بندی‌های صدملی گردید همان مردم او را به صورت پول‌سیاهی درآوردند و مسخره خاص و عامش کردند.

دفاع از کلمه حق، جهاد علیه بی‌عدالتی و ستم‌گری، مبارزه برای استقلال کشور و نجات آن از دست نفوذ خارجی‌ان شرعا و عرفا و وظائف لازم الاجرای روحانیون است.

روحانیون آزادیخواه به حق فکر می‌کنند که استعمارطلبان و مرتجعین از کافران حربی پلیدترند. آن‌هایی که زن و کودک و مردم بی‌گناه را در مراسم عزاداری بی‌دریغ به مسلسل بستند و خون پاک آن‌ها را ریختند در شقاوت از شمر و ابن‌زیاد وانمی‌مانند. آن‌هایی که درآمد کشور یعنی بیت‌المال ایران را در حالی می‌چاپند که مردم از گرسنگی و بیکاری در گوشه و کنار با مرگ دست‌به‌گریبانند از معاویه و یزید خبیث‌ترند. مجاهده برای محو آن‌ها از فرائض مسلم دین‌داران است. مردم از همه روحانیون بخصوص از پیشوایان میرز مذهب‌ی انتظار دارند که مانند آیت‌الله خمینی، آیت‌الله میلانی، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله شریعتمداری و امثال آن‌ها در جهاد مقدس و عمومی آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه مردم ایران شرکت کنند و نیروی معنوی خود را در راه پیروزی این جهاد به کار اندازند و برخلاف ادعای باطل سرمقاله روزنامه اطلاعات نه با اتحاد مقدس که به معنی سکون و سازش با شاه است، بلکه با اتحاد و همکاری با تمام نیروهای ملی و ضد استعماری صورت واقعی بدهند.

— همین زاغه‌نشین‌ها و همین مردم کوچه
بازارند که انقلاب را تا اینجا پیش برده‌اند
و بعد از اینهم پیش خواهند برد. همین
کارگران و کشاورزها شما را به این مسند
رسانیده‌اند...

اطلاعات (بهمن ۵۹ - امام خمینی

تبعید آیت‌الله خمینی

تعطیل بازار تهران

مردم، پانزدهم آبان ۱۳۴۳

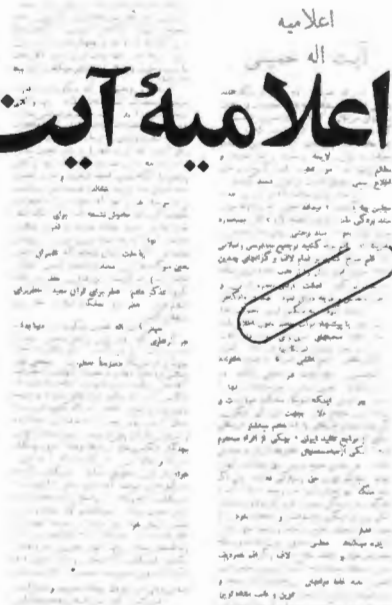
منابع دولتی ایران خبر داده‌اند که آقای آیت‌الله خمینی به اتهام "فعالیت خلاف مصالح ملی و امنیت مملکت" از کشور تبعید شده و او را در هواپیمایی نشانند که به صوب ترکیه می‌رفته است! رادیو لندن هنگام پخش این خبر افزوده است که "خمینی مخالف سرسخت اصلاحات شاه بوده است و در تظاهرات خرداد شرکت داشته است".

آقای آیت‌الله خمینی از زمره روحانیون بنامی است که طی سال‌های اخیر با رژیم مستبد شاه مبارزه می‌کنند و به این سبب مورد آزار و تعقیب و تحقیر واقع می‌شوند. بیان رادیوی لندن دایره مخالفت آیت‌الله خمینی با "اصلاحات شاه" با اظهارات خود آیت‌الله خمینی که تصریح کرده است مبارزه او با استبداد شاه است نه با اصلاحات تطبیق نمی‌کند. تبعید آقای آیت‌الله خمینی موجی از خشم و نفرت نسبت به رژیم شاه برانگیخته و هم‌اکنون که این خبر به چاپ می‌رسد بازار تهران تعطیل شده است. ما به نوبه خود به این تجاوز خودسرانه مقامات رژیم کودتا نسبت به آقای خمینی معترضیم.

– مبارزه با آمریکای جهان‌خوار باید تا قطع تمام وابستگی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ادامه یابد.

امام خمینی

اعلامیه آیت الله خمینی



مردم، اول آذرماه ۱۳۴۳

آیت الله خمینی: که از مراجع بزرگ تقلید شیعیان است، در مخالفت با لایحه مصونیت و تعاقبیت مستشاران آمریکائی، که اخیراً از تصویب مجلسین گذشت اعلامیه ای منتشر کرده است که ما اکنون اهم مطالب آن را نقل می کنیم. آیت الله خمینی به مخالفت با این لایحه و مبارزه برضد تعدیات و مظالم رژیم شاه، ورودی تعقیب هوا گرفت و طبق اطلاع رسمی سازمان امنیت از ایران تبعید گردید.

آیت الله خمینی ایران می داند که برای این روزها در مجلس چه گذشت؟ می داند مجلس به پیشنهاد دولت ستم بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود، سند وختی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد. قلم سیاه کشید برجمع مفاخر ملی و اسلامی ما، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزاف های چندین ساله، سران قوم ایران را از عقب مانده ترین ممالک دنیا پست تر کرد، اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود. حیثیت دادگاهی ایران را پایمال کرد، به ننگین ترین تصویب نامه دولت سابق با پیشنهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبت های سری رای مثبت داد. ملت ایران را در تحت اسارت آمریکائی ها قرارداد. اکنون مستشاران نظامی و نیم نظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند. پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد، چرا برای این که آمریکا مملکت دولارست و دولت ایران محتاج دلار. به جهت این رای ننگین اگر یک مستشار آمریکائی یا یک خادم مستشار آمریکائی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان

عالی‌رتبه ایران هرجسارتی بکند، هرجنایتی نماید پلیس حق یازداشت آن‌ها را ندارد. محاکم ایران حق رسیدگی ندارند. ولی، اگر بیدک سگ آن‌ها تعرض شود پلیس باید دخالت کند و دادگاه باید رسیدگی نماید. امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مرفقی ایران با ادعای سابقه تمدن دوهزاروپانصد ساله با لاف و گراف هم‌ردیف بودن با ممالک مترقیه سه‌ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت رای می‌دهد و ملت شریف ایران را پست‌ترین و عقب‌مانده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند و با سرفرازی هرچه تمام‌تر دولت از تصویب‌نامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رای می‌دهد. از بعضی منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه و آلمان غربی پیشنهاد کرده‌اند و هیچ کدام زیربار این اسارت نرفته‌اند. تنها دولت ایران است که این‌قدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند و آن را به باد فنا می‌دهد.

علماء و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه درمقدرات کشور دخالت کند. باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولت‌ها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمان‌ها نظارت در آن‌ها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب نمایند برای آنست که این ننگ‌ها را برملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبت‌ها نمایند، چرا وکلای پارلمان با آن که به حسب قاعده انسانیت و ملتیت با همجو سند اسارتی صددرصد مخالف هستند نفس نمی‌کشند و جزدو سه نفر از آن‌ها که معلوم است با اضطراب صحبت کرده‌اند خاموش نشسته‌اند، برای آن که انکاء به ملت ندارند، دست‌نشانده هستند و قدرت مخالفت ندارند، آن‌ها را با یک اشاره بیرون می‌ریزند، به زندان می‌اندازند، آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید (به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم) یاد کردند. این همان خطریست که کرا را تذکر دادم، خطر برای قرآن مجید، خطر برای اسلام عزیز، خطر برای مملکت اسلام، خطر برای استقلال کشور.

سپس آیت‌الله خمینی می‌گوید: "دنیا بداند هرگرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از آمریکا است. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفرست. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب درمقدرات آن‌هاست، اجانب‌اند که مخازن پرقیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهاء ناچیز برده و می‌برد، اجانب‌اند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پای درآوردند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند، امروز به چنگال آمریکا و عمال آن. آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، آمریکا است که به اسرائیل قدرت

می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند، آمریکا است که وکلاء را بی‌واسطه یا با واسطه بر ملت ایران تحمیل می‌کند. آمریکا است که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آن‌ها را از جلو خود بردارد. آمریکا است که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آن‌ها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، آمریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند تصویب و اجرا کنند.

آمریکا است که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌کند. بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگین در ایران واقع شود، از بالاترها به هروسيله هست بخواهند این سند استعمار را پاره کنند، این دولت را ساقط کنند، وکلایی که به این امر مفتضح رای دادند از مجلس بیرون کنند، بر ملت است که از علماء خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند و اقدام کنند، بر علماء اسلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده بگیرند، بر فضلاء و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علماء اسلام بخواهند که سکوت را بشکنند، بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند، بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطباء بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند، بر خطباء و وعاظ است که با بیان محکم بی‌هراس برای امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند، بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند، بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند و با آرامش با شعارهای حساس مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند، بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته ساکت ننشینند، بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند و از مراکز پخش آزاد ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند، بر علماء و خطباء ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود بزدانند، و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف‌نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و برون رفتن از قید اسارت کوشش کنند، بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شد آگاه نمایند، بر احزاب سیاسی است که در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند. هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند یکی است و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از میهن است. اختلافی بین علماء اسلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست. اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد، مثل سایر اختلافات در امور فرعی مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمان‌های دولتی گمان کرده‌اند که با سمپاشی‌ها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند، و به دست جهال متعصب

به قصد شوم خود برسند ، خطا کرده اند . " سپس آیت‌الله خمینی می‌گوید : " آیا ملت مسلمان می‌داند که در حال حاضر عده‌ای از علماء و مبلغین سیاسی و بسیاری از مسلمین بی‌گناه در زندان‌ها به سر می‌برند و برخلاف قوانین آن‌ها را بدون رسیدگی مدت‌های مدیدی زندانی کرده‌اند و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی و قرون وسطایی خاتمه دهد . این‌ها دنباله قتل عام پانزده خرداد و دوازده محرم است که جراحات آن از قلب ملت پاک نخواهد شد . "

– مملکت مال زاغه‌نشینان اطراف تهران است که من خدا می‌داند برای این‌ها غصه می‌خورم که برای این‌ها تا بحال فکری نشده مملکت مال اینهاست . نهضت را این‌ها پیش برده‌اند . . . ما مرهون این‌ها هستیم . زندگی ما را این‌ها و امثال این‌ها اداره کردند و می‌کنند .

امام خمینی
۵۹/۸/۸

مردم

روحانیون میهن پرست با قانون مصونیت و معافیت مستشاران آمریکایی مبارزه می کنند

مردم ، پانزدهم آذرماه ۱۳۴۳

تصویب لایحه مصونیت و معافیت مستشاران آمریکائی در ایران خشم و غضب تمام محافل اجتماعی و سیاسی میهن پرست را برانگیخته است. در این میان روحانیون میهن پرست نیز در این نطفه پرستانه ایران نقش برجسته ای دارند. رژیم شاه که با بی توجهی به مطالبات روحانیون میهن پرست است، برای مبرا شدن از اتهامات و شکجه و اعدام به بیگانه سفیران خود اقدام می نماید. در این زمینه از روحانیون شریف ایران را که به مخالفت با این مصونیت و معافیت اقدام کرده اند، به خاطر این مسئله به مخالفت با لایحه مصونیت و معافیت مستشاران آمریکائی تعرض و فشار شدید قرارداده است. مدتی است که روحانیون میهن پرست در این باره با هم متحد شده اند و با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستند. به همین مناسبت از ایران معتمدان و نمایندگان امریکائی که در این باره با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستند، در این باره با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستند.

مطلبی که در این باره در میان روحانیون و طلاب علم و اندیشمندان میهن پرست در زنده اند، هر چه بهی می برند. ولی با وجود این مخالفت و مبارزه روحانیون و طلاب علم و اندیشمندان میهن پرست با این لایحه معترض هستند. در این باره با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستند.

خوارند و در این بین تمام ما هم مطالب می توان آیت الله شریعتمداری و مرقومه آیت الله نجفی مرعشی را که در همین زمینه است و به دست ما رسیده برای اطلاع جوانان و عویر نقل می کنیم. آیت الله شریعتمداری می گوید: " یکی از مهم ترین مسئولیت های ما در اسلام بر این است که میهن پرستانه از این لایحه معترض هستیم. در این باره با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستیم. در این باره با هم میهن پرستانه از این لایحه معترض هستیم.

اممت ما در اسلام هرگز خود را به استقلال کامل نداشته باشند، استقلال اقتصادی ما در اسلام هرگز خود را به استقلال کامل نداشته باشند، استقلال دینی ما در اسلام هرگز خود را به استقلال کامل نداشته باشند.

که بیگانگان در شئون زندگی مسلمانان دخالت کنند. "ولن يجعل الله الكافرين على المؤمنین سیلاً"، "الاسلام یعلو ولا یعلی علیه".
اما با نهایت تأسف اخیراً قانونی از مجلس گذشت که به استقلال مملکت ما لطمه زیادی وارد ساخت و آن مصونیت مستشاران نظامی یک کشور خارجی یعنی آمریکا بود.

مطابق این طرح بعد از این چندین هزار مستشار بیگانه از نظرسیاسی مصونیت دارند و هر عملی در حال ماموریت خود انجام دهند در هیچ محکمه‌ای از محاکم ایران قابل تعقیب نیست. از این گذشته اموال آن‌ها از حقوق گمرکی و مالیات به کلی معاف است.

معلوم نیست به چه دلیل چنین طرحی را به مجلس داده‌اند و چگونه مجلس آن را تصویب کرد؟ در حالی که با دین ما با قانون اساسی ما مابینت دارد و امنیت و استقلال ما را به خطر می‌اندازد. این ذلت بزرگی برای ما است.

به طوری که از صورت مذاکرات مجلس که به چاپ رسیده برمی‌آید دولت با عجله زیاد در یک جلسه طولانی (یک جلسه ۸ ساعته) این طرح را به تصویب رسانیده است. تعداد ۶۴ نفر نماینده از همین مجلس رای مخالف به این طرح داده‌اند. در هر صورت مردم باید بدانند:

اولا - این قانون برخلاف موازین قوانین اسلامیست و به حیثیت و آبرو و استقلال مسلمانان لطمه بزرگی وارد می‌سازد.

ثانیا - این قانون برخلاف موارد متعددی از قانون اساسیست که رسیدگی به تمام دعاوی را در خور محاکم مملکت می‌داند. نه شرعاً و نه قانوناً چنین مطالب ارزش نخواهد داشت.

ثالثاً - اگر دولت آمریکا که خود را مدافع آزادی و استقلال مملکت دیگر معرفی می‌کند چنین تقاضائی کرده این با ادعای مزبور ادا سازش ندارد و اگر مجلس ایران چنین حاتم‌بخشی کرده است بسیار عمل خلافی انجام داده است.

رابعاً - مزایائی که دولت‌های دنیا به یکدیگر می‌دهند باید بر اساس احترام متقابل باشد آیا ما که چنین مصونیتی را به چندین هزار خارجی داده‌ایم آن‌ها حاضرند نسبت به یک نفر از ایرانیان مقیم آمریکا چنین مصونیتی بدهند؟ البته نه. زیرا این چیزی نیست که یک دولت آزادی بتواند آن را قبول کند.

خامساً - اگر این اقدام خوبی بود چرا ملت ایران را در جریان گذاشتند؟ چرا مطالبی به این اهمیت را که تاکنون در ایران به این نحو ادا سابقه نداشته قبلاً در معرض قضاوت عمومی نگذارند. در هر صورت مصلحت ایجاب می‌کند مجلس ایران هر چه زودتر این قانون خطرناک را فسخ کند و به فرض این که فسخ نکند از نظر مردم ایران و قانون اسلام و قانون اساسی کوچک‌ترین ارزش قانونی نخواهد داشت بخصوص که ما در موقع انتخابات نظر قطعی خود را درباره تشکیل این مجلس اظهار داشته‌ایم."

آیت‌الله نجفی مرعشی، یکی دیگر از مراجع بزرگ تقلید شیعیان، در مرقومه خویش چنین می‌گوید: "... متأسفانه در مملکت ایران رفتار هیئت حاکمه با ملت شریف و متدین نحوی شده گوئی که سر تا سر مملکت را غم و اندوه فرا گرفته و عموم ملت از عاقبت امر نگران و شب و روز خود را به وحشت و نگرانی عجیب می‌گذرانند... دولت ایران وسیله مطبوعات و دستگاه تبلیغات مملکت ما را هم‌ردیف ممالک رافیه دنیا معرفی می‌کند و حال آن‌که عملاً برخلاف آن رفتار می‌نماید. آیا مفهوم ارتقاء این است که اگر یکی از مستشاران آمریکائی روی همین قانون به یک فرد محترم ایرانی حتی شخصیت بزرگی از هر طبقه جنایت و خیانت کند و به عرض و ناموس و مال مسلمین دست تعدی و تجاوز دراز کند مصونیت داشته باشد و محاکم قضائی ایران حق مداخله و بازداشت آن را نداشته باشند. من بقیه دارم که عقلای ایران به وضع رجال ایران خندیده و این نوع نصوبیات را رجوع به قهقری و ارتجاع سیاه تفسیر خواهند کرد. زیرا مصونیتی که برای آن‌ها تصویب شده برخلاف قوانین بین‌الملل و دور از شرافت و انسانیت و غیرت است. آیا این معنی را می‌شود به غیر از ارتجاع سیاه تعبیر نمود. من می‌دانم به کدامیک از مصیبت‌ها گریه کنم. به مخالفت صریح با احکام اسلام و قرآن گریه کنم، یا به نشر کتب ضاله و نشریات ضد اسلامی گریه کنم، یا به محدودیت گویندگان دینی گریه کنم. به وضع ملت بیچاره ستم‌دیده گریه کنم یا به وضع فقرا گریه کنم که فردای زمستان با این گرانی قیمت‌ها با این قطعی وسائل زندگی چه خواهند کرد. به وضع اقتصادی مملکت گریه کنم یا به بازار فلج و راکد گریه کنم. به قحط الرجال مملکت گریه کنم یا رفتن فلاحت و زراعت گریه کنم. به گرفتاری علماء و خطباء و دانشمندان و رجال و اساتید محبوس گریه کنم یا به زجر و شکنجه‌ها گریه کنم.

آیا سزاوارست که تاکنون حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قاضی اول شخص مجاهد آذربایجان دامت برکاته در حبس به سربرند؟ آیا سزاوارست که حضرت مجدالاسلام آقای طالقانی و اساتید محترم در حبس باشند؟ آیا رواست که حضرت مستطاب مجدالاسلام خطیب شهیر آقای حاج شیخ عباس‌علی اسلامی دامت برکاته که از مفاخر روحانیت می‌باشند و خدمات شایانی در اسلام نموده‌اند (از قبیل تاسیس مدارس اسلامی) محبوس باشند و با دستبند برای محاکمه به این سمت و آن سمت بکشند، دستبندی که برای دزدها و جانی‌ها می‌باشد. آقایان و کلاً بی‌موکل که در خانه ملت گرد آمده‌اید، آیا شماها برای دفاع از حقوق مسلمین و حفظ استقلال ملت و مملکت جمع شده‌اید، یا برای این که با دست خود سند اسارت و بردگی یک مشت ملت شریف ایران را امضاء کنید.

ما کرارا به وسیله اعلامیه‌ها چه در تهران و چه در قم به همه مردم گفتیم که این مجلس به ملت مربوط نیست و هر چه تصویب کنند بی‌اعتبار است. زیرا همان‌وقت ما متوجه این قبیل عواقب وخیمه بودیم که آبروی مملکت و ملت را

در دنیا بردید. من بدین وسیله از عموم طبقات ملت ایران اُستمداد می‌کنم که بیش از این صبر و تحمل نکنند و برای حفظ دین و استقلال مملکت خود اعتراض و انزجار خود را ابراز نمایند. من از علمای اسلام و طلاب علوم دینی تقاضا می‌کنم بیش از پیش از این جنایت بزرگ مردم را آگاه فرمایند. مراجع عظام از اعراض مجلسین غیر رسمی خودداری و سکوت نخواهند فرمود. تمام طبقات مسلمین جهان را لازم است که عدم رسمیت این تصویب‌نامه^۱ مفتضح تحمیلی را به دنیا اعلام نمایند و ازدولت آمریکا و از دست‌نشانده^۲ او اسرائیل که به منزله^۳ سرطانی است دربین ممالک اسلامی اظهارتنفر نمایند ما از دشمنان اسلام هر دولت و هر مملکتی که باشد متنفر و منزجریم چه آن‌هایی که نامبرده شد و چه غیر آن‌ها.

بر افرادی که در این جنایت بزرگ و قانون تحمیلی مخالفت کرده‌اند لازم است که از دین مقدس اسلام و مصالح کشور دفاع کنند و نگذارند که بیش از این به نوامیس دینی و ملی تجاوز شود و آن‌هایی را که در مجلسین با تصویب این قانون موافقت کرده‌اند به ملت غیور ایران و مراجع عظام معرفی کنند. دولت آمریکا و سایر دول غیراسلامی نباید بیش از این با نوامیس دینی و ملی ممالک اسلامی بازی کرده و قلوب آن‌ها را جریحه دار نمایند. بترسند از روزی که خدای قاهر و توانا آن‌ها را به عذاب خود گرفتار کند. بترسند از سیل تنفر ممالک اسلامی بالاخص.^۴

مردم - ۱۵ آذرماه ۱۳۴۳

حقوق کارگران و رعایا را سرمایه‌داران بزرگ و مالکین بزرگ برده‌اند و امروز هم دارند می‌برند. بدین جهت آنان مالک کارخانه‌ها و زمین‌های خود نمی‌باشند. ما همه^۱ آنان را به پای میز محاکمه می‌کشیم و مایملک و سرمایه^۲ آنان را که عمری است مالکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند به محرومین بازپس داده می‌شود.

امام خمینی، اطلاعات ۱۶ آذر ۵۹



دم از پیشوایان
آزادخواه و
استقلال طلب دینی
میکنند

مردم از پیشوایان آزادخواه و استقلال طلب دینی پشتیبانی میکنند

مردم ، اول تیرماه ۱۳۴۲

به طوری که معلوم است روز ۱۲ آبان ماه در ماهورین، سوره آیت الله خمینی را تحت الحفظ از قم به فرودگاه مهرآباد بردند و از آنجا به مقصد یا معلومی خارج از کشور تبعید کردند. گفته می شود که این اقدام، سرانجامی است که با عید هم نیست زیرا ترکها با دولت ایران در پیوند و پیوسته هستند و حکومت آیت الله خمینی همان رفتاری را خواهند نمود که دولت ایران در گذشته مسلم است آیت الله خمینی را جایی برده اند که در آنجا آزادی و استقلال نیست و این اقدام که مخالف با ابتدائی ترین حقوق بشر است و انزجار روحانیت را سخت برآشفته و محافل اجامی و صوفی را به تحقیر و جدی واداشته است. به محض انتشار اطلاعیه بازار طبق امریت گنبد و تعطیل بازار و مغازهها زدند. سازمان تهدید متوسل شد و اعلام داشت چنانچه بازرگانان را تا یک ماه از بازار سیردن خواهند گرفت. گروهی از ماموران نابکار سازمان شیطانیه به نظر آزار سازیر شد و طبق معمول به گرفتن تعهد و تصرف بازار اقدام کرد. خلع جسد دکان از بازار بزازها و دروازه حضرتی را که همانجا مسکن حاضر می باشد کردند و سیردن تعهد نشده بودند تیغه کردند و پیشوایان را جاک ریختند. علاوه بر مقاومت و تظاهرات بازاریان و مغازه دارها که بر تعهد سخت به صورت تعطیل بازار اجرا می شود، عدهای از علماء و روحانیون کثیری و شفاها صدای اعتراض خود را علیه حکومت مخلوق شاه بلند کردند: آقای سید محمد هادی حسینی میلانی که از علمای ساکن مشهد هستند ضمن اعلامیه ای به تاریخ ۱۲ آبان نامه خطاب به

علمای قم و تهران چنین می‌نویسند :

"عجا نسبت به معظم‌له (مقصود آیت‌الله خمینی است) که یکی از مراجع تقلید و مصونیت قانونی دارند و از شخصیت‌های بزرگ اسلامی می‌باشند تهمت‌های ناروایی می‌زنند و بی‌احترامی می‌نمایند. اولیای این‌گونه امور بدانند ایشان تنها نیستند بلکه لسان ناطق همه مجامع روحانی و دینی هستند و گفته‌هایشان کلام حق و حقیقت است." علاوه بر آیت‌الله میلانی جمع‌کثیری از روحانیون بنام مشهد و تبریز در تلگراف‌های عدیده‌ای خطاب به آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی به تبعید غیرقانونی آیت‌الله خمینی سخت اعتراض کرده‌اند. سازمان‌های مترقی و اجتماعی ایران نیز علاوه بر روحانیون پشتیبانی خود را از مبارزه آیت‌الله خمینی علیه قانون مصونیت و معافیت مستشاران آمریکائی اعلام و نفرت و انزجار خود را از تبعید ایشان ابراز داشتند. روزنامه ارگان سازمان‌های جنبه ملی ایران در اروپا اعلامیه مسوسطی به تاریخ ۱۸ آبان‌ماه در این باب انتشار داد. روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران ضمن چندمقاله و رادیوی پیک ایران طی چند گفتار مبارزه آیت‌الله خمینی و روحانیونی را که در راه دفاع از آزادی و استقلال کشور دچار حبس و تبعید و بی‌احترامی شده‌اند ستود و رفتار وحشیانه و اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی حکومت شاه فرموده ایران را محکوم کرد. شدت واکنش مردم در مقابل شاه و دولت او برای دستگاه حکومتی غیرمنتظره بود. آن‌ها به گمان این که قتل‌عام خردادماه سال پیش و حبس و شکنجه‌های مداوم عده‌ای از روحانیون و استادان دانشگاه مردم راهنوز مرعوب می‌دارد و مانع از هرگونه عکس‌العملی از طرف آن‌هاست، ضمن اعلامیه رسمی خبر تبعید آیت‌الله خمینی را از رادیو و در روزنامه‌ها پخش کردند. آن‌ها از این اقدام دومنتور داشتند: یکی ترساندن مردم مخصوصاً روحانیون از ادامه اعتراض نسبت به قانون مصونیت آمریکائیان در ایران و دیگری نشان دادن خلوص و چاکری خویش به اربابان آمریکائی. اما عکس‌العمل مردم نتیجه معکوس برای رژیم منفور شاه به بار آورد. کار به جایی رسید که مدافع مزور شاه مجله خواندنیها تحت عنوان "حکومت و روحانیت" اطلاعیه سازمان امنیت را "نپسندید" و آن را "ناشی از اشتباه" دانست. بدیهیست امریانی که از سرسپردگان امیران و امیرامیران یعنی شاه و اربابان اوست این اطلاعیه را نه از این جهت که سرتاپا توهین و افترا و یکی از اسناد خیانت شاه به قوانین ایران است، نپسندید، بلکه از این رو که این اعلامیه و نظائر آن به جای "کوبیدن اشخاص" آن‌ها را "بزرگ و مهم" می‌کند، اشتباه دانست. خواندنیها برای جبران این اشتباه کوشید، به این استناد که رادیو لندن ضمن پخش خبر تبعید آیت‌الله خمینی از او به نام رهبر شیعیان ایران یاد کرده است، ایشان را متهم کند که مورد مهر و علاقه انگلیس‌هاست و یک سلسله معالطات سعی کرد سهمی از نفرت بی‌پایان مردم به انگلیس‌ها را متوجه آیت‌الله خمینی کند! ما سا

خواندنیها هم عقیده‌ایم که انتشار خبر تبعید آیت‌الله خمینی به طور رسمی اشتباه و خیبط سازمان امنیت است، زیرا این خبر به یکبار مردم را برانگیخت و به هيجان آورد و آتش خشم آن‌ها را که فقط به زور دو بیست هزار سرنیزه ارتش و ده‌ها هزار مامور غلاظ و شداد پلیس و زاندارمری و یک شبکه وسیع ارجاسوسان سازمان امنیت چون اخگری به زیر خاکستر نهفته شده است، برافروخت. اما این استدلال یوچ را که چون رادیو لندن آیت‌اللهی را آیت‌الله خوانده و رهبری روحانی از رهبران شیعیان را رهبر شیعیان نامیده پس آیت‌الله گویا انگلیسی است (!)، نه تنها "نمی‌پسندیم" بلکه آن را هم مانند اطلاعیه سازمان امنیت "نانی از اشتباه" خواندنیها می‌دانیم. شخصیت آیت‌الله خمینی را اطلاعیه سازمان امنیت و بدیهه‌گوئی رادیو لندن بوجود نیاورده است بلکه این شخصیت را آیت‌الله خمینی قطع نظر از مقام روحانی خود از راه مبارزه مستمر علیه حکومت جبار و قانون شکن ایران و از راه دفاع از استقلال و آزادی کشور در مقابل اربابان لیره و دلار و مردوران آن‌ها کسب کرده است.

تاریخ مشروطیت ایران سرشار از مثال‌های بارزی است که چگونه مردم با روحانیون رفتار کرده‌اند. روحانیونی مانند شادروان بهبهانی و طباطبائی را مردم چون مردمک دیده خود دوست داشتند زیرا آن‌ها در راه آزادی و استقلال کشور و سقوط استبداد سلاطین فاجار قدم برداشتند و از کسانی چون شیخ فصل‌الله بوری سلب شخصیت کردند. آیت‌الله کاشانی را تا روزی که از هدفهای ملی پشتیبانی می‌کرد روی دست می‌بردند و به محض مخالفت با نهضت و بندو بست با شاه و پشت کردن به دکتر مصدق در یک روز به صورت پیشیزی درآوردند. نتوری دستگاه حاکمه، که بلندگویان او از قبیل خواندنیها هستند، اینست که در قرن اتم "هر قدر تقسیم کار و مسئولیت در میان افراد ملتی بیشتر باشد و مقامات افراد و دسته‌ها در کار یکدیگر، خاصه در کار حکومت مداخله نداشته باشند کاروان تمدن آن ملت زودتر به مقصد می‌رسد!" طبق این نظریه روحانی باید به نماز و روزه پردازد، کاسب و پیشه‌ور فقط به کسب و پیشه خود مشغول باشد، دانشجو تنها درس بخواند، کارگر و دهقان هم مشغول کار و زحمت باشد، بیکاران هم در انتظار کار باشند و عده‌ای هم بنام شاه و حکومت و دم و دستگاه او به سیاست، یعنی حکمروائی غارت مردم، وطن فروشی و عیش و نوش سرگرم باشند! از این صریح‌تر نمی‌توان برای یک حکومت دیکتاتوری مانند حکومت محمدرضا شاه تبلیغ کرد. براساس این نتوری است که آیت‌الله خمینی وعده‌ای از روحانیون و استادان دانشگاه و سایر قشرها و طبقات مردم محکوم به تبعید و حبس و اعدام می‌شوند زیرا آن‌ها "تقسیم کار" را به هم زده‌اند در سیاست یعنی در کار سرنوشت خود و مملکتشان دخالت کرده‌اند. به آن‌ها چه که شاه اتباع آمریکا را به نام مستشار به ایران می‌آورد و به آن‌ها مصونیت می‌دهد؟ به آن‌ها چه که شاه مجلس می‌سازد؟ به آن‌ها چه مربوط که شاه منابع نفتی و ثروت ایران

را به خارجیان می‌دهد؟ به آن‌ها چه مربوط که دروازه‌های مملکت را به روی سرمایه و مال‌التجاره خارجیان باز می‌گذارد؟ به آن‌ها چه که ایران به دستور آمریکا و انگلیس در پیمان سنتو عضو شده و رمق مردم را صرف توپ و تانک و هواپیما می‌کند؟ به آن‌ها چه که شاه و خانواده‌اش او به شرکت خارجیان مردم را به انواع مختلف می‌چاپند؟ این‌ها همه وظیفه سنگین شاه و افسار اوست! به قول معروف "صاحب اختیار خرت برون چکار داری به نرخ نون!" بدیهیست که طبق این نظریه وقتی آیت‌الله خمینی خطاب به مردم می‌گوید: "آیا ملت ایران می‌داند که در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود، سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد؟" و یا آن که اظهار می‌کند: "باید پارلمان مبعوث از ملت باشد، باید دولت‌ها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود..." و یا در جای دیگر نطق خود در قم اعلام می‌دارد که: "دنیا بداند هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارد از اجانب است از آمریکا است." این‌ها همه تجاوز به حقوق شاه و حکومت‌ساخته او و اربابان اوست! همچنین اظهارات آیت‌الله شریعتمداری که می‌گوید: "اسلام می‌خواهد مسلمانان استقلال کامل داشته باشند، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال قضائی و استقلال دینی. اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که بیگانگان در شئون زندگی مسلمانان دخالت کنند. اما با نهایت تأسف اخیراً قانونی از مجلس گذشت که به استقلال مملکت ما لطمه زیادی وارد ساخت و آن مصونیت مستشاران نظامی یک کشور خارجی یعنی آمریکا بود... این ذلت بزرگی برای ماست." تجاوز از حد یک روحانی و دخالت در امور کارشناسان خیانت‌کار سیاسی یعنی شاه و عمال اوست! آیت‌الله نجفی مرعشی که از مراجع بزرگ تقلید است در نامه خود چنین می‌نویسد: "دولت ایران وسیله مطبوعات و دستگاه تبلیغات مملکت ما را هم‌ردیف ممالک راقیه دنیا معرفی می‌کند و حال آن که عملاً برخلاف آن رفتار می‌نماید... به وضع ملت بیچاره ستم‌دیده گریه کنم یا به وضع فقرا گریه کنم که فردای زمستان با این گرانی قیمت‌ها، با این قحطی و سائل زندگی چه خواهند کرد به وضع اقتصادی مملکت گریه کنم یا به بازار فلج و راکد گریه کنم به قحط الرجال مملکت گریه کنم، به گرفتاری علماء و خطباء و دانشمندان و رجال و اساتید محبوس گریه کنم یا به زجرها و شکنجه‌ها گریه کنم." این گونه اظهارات گرچه بیان واقعیت است اما چون با نظریه "تقسیم کار" منافی است جرم و گناه نابخشودنی است! همواره گروهی از روحانیون به صفوف مردم پیوسته و به آن‌ها وفادار بوده‌اند و این سنت سبیه است که امروز آیت‌الله خمینی، آیت‌الله نجفی مرعشی، آیت‌الله شریعتمداری، حجت‌الاسلام آقای فاضل و روحانیونی چون آقای طالقانی و اسلامی و دیگران با قبول تبعید و حبس و شکنجه آن را ادامه می‌دهند. اینان مردم را به اتفاق و اتحاد و مبارزه

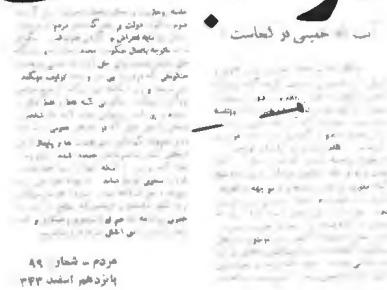
علیه حکومت خیانتکار شاه دعوت کرده‌اند . ما ضمن تأیید این دعوت که همواره مورد نظرمان بوده ، از تمام نیروهای ملی و ضداستعماری می‌خواهیم که با درک موقعیت با وسعت نظر بیشتری به تشکیل و تحکیم جبههٔ واحدی از تمام سازمان‌ها و عناصرملی و مترقی نگاه کنند تا در انجام وظیفهٔ خطیری که برعهده همه هست پیش از این تاخیری رخ ندهد .

مردم - شماره ۶۲ ، اول تیرماه ۱۳۴۲

— من برای چندمین بار تکرار می‌کنم که در این امر حیاتی قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بیشمار دولت آمریکا موضعی خصمانه گرفته و به فکراشکال‌تراشی و تفرقه‌اندازی که به سود دشمنان کشور ما است نباشند .

امام خمینی ، ۶ آذر ۱۳۵۸

آیت‌الله خمینی در کجاست؟

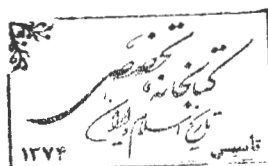


مردم ، پانزدهم اسفند ماه ۱۳۴۳

هنگامی که برخلاف تمام موازین قانونی و انسانی آیت‌اله خمینی را توقیف کردند گفته می‌شد که ایشان را به‌کشور ترکیه فرستاده و درشهر ازمیر به دست مقامات ترکیه سپرده‌اند . . . اینک به‌قراری که روزنامه وطن می‌نویسد دولت ترکیه آیت‌اله‌خمینی را به‌دولت ایران تحویل داده و از نگهداری بیشتر ایشان خودداری کرده‌است . ظاهراً دولت ترکیه برای توقیف از رهبران برجسته شیعیان کهنه از اتباع آن‌کشور است و نه در خاک آن‌کشور مرتکب جرمی شده هیچ‌گونه مجوزی در دست‌نداشته و در مواجهه با اعتراض شدید مردم ناچار شده ایشان را به‌ماموران ایران بازپس دهد . به‌رحال اکنون معلوم نیست که آیت‌اله خمینی در کجا هستند و درچه شرایطی بسر می‌برند . دولت هم با استفاده از گذشت زمان موضوع را به‌کلی مسکوت گذاشته است و کوچک‌ترین اطلاعی در این‌باب به کسی نمی‌دهد . همچنان‌که توقیف و تبعید بدون دلیل آیت‌اله‌خمینی موجب خشم و نفرت و اعتراض جامعه روحانیون و محافل مختلف اجتماعی ایران گردید صوم سکوت دولت و بی‌خبرگذاشتن مردم از سرنوشت ایشان نیز مایه اعتراض و نگرانی عموم است . نگرانی مردم با توجه به اعمال حکومت محمدرضاشاه و دستگاه‌های سازمان امنیت برای جان آیت الله خمینی نیزهست . حکومتی که مردم را بی‌سروصدا توقیف می‌کند ، زجر می‌دهد و زیر شکنجه نابود می‌کند از هیچ‌چنانیتی فروگذار نمی‌کند . حکومتی که فقط و فقط قائم به سرنیزه و زور است پروایی ندارد که یک شخصیت روحانی را به‌این دلیل که در اعتراض عمومی مردم علیه دادن امتیازات گوناگون به‌امپریالیست‌ها و پایمال کردن استقلال کشور با هموطنانش همصدا شده بی‌سروصدا نابود کند و پس از آن‌که

آب‌ها از آسیا افتاد جنایت خود را به نحوی توجیه نماید . مابه‌نویه خود به این رویه مزورانه و حق‌شکنانه دولت شدیداً اعتراض می‌کنیم و با کلیه سازمان‌ها و اشخاصی که به دفاع از آیت‌اله خمینی برخاسته‌اند هم‌آواز می‌شویم و همکاری و اتحاد آن‌ها را برای آزادی ایشان شرط لازم می‌شمیریم .

مردم - شماره ۹۹
پانزدهم اسفند ماه ۱۳۴۳



— آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است . آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیرسلطه از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید .

امام خمینی

در معرکه خاور میانه حکومت کودتادر سراشیب خیانت تازه‌ایست

نقل از مجله دنیا - ارگان تئوریک و سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ایران - سال پنجم -
شماره اول - بهار ۱۳۴۳

الف - فاجعه خرداد سال ۱۳۴۲

در پانزدهم خردادماه سال گذشته تظاهراتی علیه استبداد سلطنتی شاه در تهران و برخی ولایات بوقوع پیوست که با کشتار فجیع عدهٔ کثیری از هم‌میهنان ما همراه بود. مردمی به‌ستوه آمده و جان‌به‌لب رسیده‌از فرصتی که در آن‌روزها برای اجتماع دست‌داده‌بود استفاده‌کرده و قدم در میدان مبارزه گذاشتند.

دولت علم قبلا از احتمال تظاهراتی در این‌روزها خبر داده و کوشیده‌بود آن‌را به‌طور دریست به‌حساب روحانیون مرتجع و مالکین به‌قلم بدهد. با چنین زمینه‌ای وسایط تبلیغاتی شاه به مجموعهٔ تظاهرات برجسب ارتجاعی زد تا دست سازمان‌های مسلح را در خونریزی و کشتار باز بگذارد. در آن روز ظاهرا برخی شعارهای ارتجاعی و مردود نیز به‌میان کشیده شده بود که نمی‌توان گفت چه مقدار از آن‌ها را مرتجعین و فئودال‌ها با استفاده از زمینه اجتماعی حاضر و آماده به‌میدان کشیدند و چه‌مقدار آن‌ها را خود سازمان امنیت و دستگاه پلیس به‌منظور بدنام کردن تظاهرات مردم و تحریک قوای مسلح به کشتار بی‌دریغ مردم تدارک دیده بود.

اما کوچک‌ترین تردیدی نیست که در آن‌روزها شعار مسلط شعار ضد استبداد

سلطنتی، شعار آزادیخواهانه و ضدامپریالیستی بود. این را بعدها حتی ناظرین خارجی در ایران تایید کردند ولی شاه و میررضیان تحت فرمان او در مقابل این سیل خروشان تظاهرات در پناه سرنیزه و مسلسل و آتشبار خزیدند. دهها هزار مردم از جان گذشته که آن روز در مقابل رگبارهای مسلسل سینه سپر کردند به خاطر دفاع از افکار ارتجاعی و یا منافع مالکین و فئودالها به میدان نیامدند. آنها مردمی بودند که به قول روزنامه کیهان عقده‌های فراوانی در سینه‌شان آکنده بود. آنها برای مطالبهٔ بدوی‌ترین حقوق انسانی خود جان در بلا نهادند و روحیه بیکارجویی سنتی ملت ایران را بار دیگر به منصف‌ظهور رسانیدند. در این تظاهرات به قول مقامات دولتی تا حدود سیصد نفر ولی بنا به اظهار ناظرین خارجی تا چند هزار نفر به فرمان دژخیمانی چون سپهدنصیری و به دست نیروهای مسلح چشم‌و گوش‌بسته و فریب‌خورده شربت مرگ چشیدند و بار دیگر ماهیت حکومت خونین شاه را به جهانیان نشان دادند و ثابت کردند که علی‌رغم همه عوام‌فریبی‌ها و ریاکاری‌ها اسلوب عمده و مسلط در حکومت شاه همان اسلوب دیرین اختناق، فشار و کشتار است و آن‌گاه که شاه خود را نیازمند کشتار بداند از هیچ سفاکی و خونخواری روگردان نمی‌باشد و همه ملاحظات را آنا کنار می‌گذارد.

ده روز پس از قتل‌عام وحشیانه مزبور پاکروان معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت اطلاعاتی منتشر ساخت که به منظور توجیه این قصابی بی‌سابقه در آن‌گفته می‌شد:

"آنچه در روز ۱۵ خرداد در تهران روی داد و منجر به چپاول و غارت و انهدام و آتشزدن اموال مردم و در نتیجه مداخلهٔ قوای انتظامی برای حفظ امنیت گردید همان‌طور که امروزه بر همهٔ مردم ایران آشکار شده است یک اتفاق عادی نبوده بلکه طبق اسناد و مدارک موجود و اعترافات توطئه‌گران و با جریانات سه‌ماههٔ اخیر در چند نقطهٔ مملکت نتیجهٔ دسائس عوامل و افرادی بوده است که از انقلاب اخیر ملت ناراضی بوده‌اند..."

تا این‌جا رئیس سازمان امنیت سعی دارد طغیان مردم کاربه‌جان و کارد به‌استخوان رسیده را علیه دستگاه جور و بیداد شاه صرفاً یک‌عمل ارتجاعی و نتیجهٔ تحریک "دشمنان انقلاب اخیر" به‌قلم بدهد و از این طریق خون‌عدهٔ کثیری از هم‌میثنان ما را با این سیرهٔ جاسوسی نفرت‌انگیز لوث کند و فساوت بی‌نظیر عده‌ای فرماندهان سفاک را که آن‌روز دستور کشتار می‌دادند توجیه نماید. ولی وی در این‌جا متوقف نمی‌گردد و می‌کوشد مجموع جریان رایج حساب "تحریکات خارجی" و انمودسازد و پای جمهوری متحدهٔ عرب را به‌میان بکشد. بنا بر این اطلاعیهٔ مزبور چنین ادامه می‌دهد:

"با این‌که افشای همه اسرار از نظر روشن شدن افکار عمومی

مفید است ولی طبق نظر مقامات قانونی و ماموران تحقیق فرمانداری نظامی مادام که تحقیقات ما کامل نشود نباید اطلاعات محرمانه، ماموران تحقیق علنی گردد... با توجه به این نکات برای این که ملت ایران هر چه زودتر از یک قسمت از فعالیت‌ها و دخالت‌های عوامل بیگانه که دشمنان داخلی نهضت ملی ایران از آن‌ها کمک مالی گرفتارند آگاهی حاصل کنند و بداند قسمتی از مخارج این دسائس چگونه می‌رسیده است و در نقل و انتقال پول چه عواملی موثر بوده‌اند امروز پرده از اسرار پیکرشته فعالیت عمال خارجی که در این دسیسه شرکت و دخالت داشته‌اند برداشته می‌شود.

در این اعلامیه صراحتاً جمهوری متحده عرب مورد اتهام قرار می‌گیرد فعالیت صد مصری تشدید می‌یابد، طوفانی از دشنام و ناسزا علیه جمال عبدالناصر در قلمرو مطبوعات برمی‌خیزد و خلاصه آن که با تمام قوا کوشش به عمل می‌آید که اولاً مجموع تظاهرات عظیم مردم در روز ۲۵ خرداد منحصراً نتیجه تحریکات روحانیون مرتجع و فتوادل‌ها به قلم داده شود و ثانیاً بین "محرکین" و دولت جمهوری متحده عرب پلی بوجود آید.

اینک این دو موضوع را جداگانه بررسی کنیم .
دولت با همه جنجال و قیل و قالی که در باره دخالت "روحانیون مرتجع" و "فتوادل‌ها" در تدارک دیدن تظاهرات ۱۵ و ۱۶ خرداد سال گذشته برپا کرد، و با این که قبلاً اعلام داشته بود که این روحانیون و مالکین را با نام و نشان می‌شناسد و هر لحظه می‌تواند دست‌بروی دوش آن‌ها که "عده بسیار معدودی بیش نیستند" بگذارد، اما عملاً اقدامی که دال بر صحت این مدعا و صداقت او باشد به عمل نیاورد. نه قیل از حوادث خونین ۱۵ خرداد و نه پس از آن حتی برای نمونه هم یک نفر مالک و فتوادل بازداشت نشد، برعکس این خود شاه بود که به طرف سازش بیشتر با مالکین و فتوادل‌ها به ریان کشاورزان رفت و قانون اصلاحات ارضی را از آن چه که بود مثله‌تر ساخت و معلوم نشد آن "مالکین محرک" که چندین صد نفر به روایتی چند هزار نفر مردم میهن مایه نام آن‌ها به دست دژخیمان شاه درو شدند کجا رفتند و چه شدند.

در مورد "روحانیون مرتجع" نیز اشکالاتی بیش از این وجود دارد. برای این که روحانیون مترقی از مرتجع باز شناخته شوند قول روزنامه لوموند مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ را در این جا نقل می‌کنیم. خبرنگار تهران روزنامه مزبور در این شماره می‌نویسد:

"امروز بین روحانیون ایران دو گروه را می‌توان از یکدیگر تمیز داد. گروه اول محافظه‌کاران هستند و آیت‌الله

بهبهانی از مجتهدان معروف تهران در راس آن قرار دارد .
سپس این روزنامه شرح می‌دهد که بهبهانی با هرگونه آزادی زن‌ها و با هر
گونه تغییری در مالکیت‌های بزرگ مخالف است و آن‌ها را با آئین اسلام مابین
می‌داند . همین خبرنگار اضافه می‌کند :

"گروه دوم به وسیله آیت‌ال‌خمينی که مردی است آزادیخواه
و قهرمان تظاهرات ماه ژوئن گذشته است رهبری می‌شود و
این گروه دوم روزبه‌روز زمینه بیشتری از گروه اول به دست
می‌آورد"

خود آیت‌ال‌خمينی در همان اوقات ضمن اعلامیه‌ای صریحا بیان کرد که وی
و همراهان او نه تنها با هیچ‌گونه اصلاحات ارضی و با آزادی زنان مخالفت
ندارند بلکه از هرگونه اصلاحی به سود جامعه و ترقی آن پشتیبانی می‌کنند .
مخالفت آن‌ها تنها با استبداد و خودکامگی و قانون‌شکنی است . آن‌ها خواهان
حاکمیت قانون و خاتمه دادن به اسلوب فعال مایشائی هستند و اتهام‌پردازی
از مالکین یا مخالفت با آزادی‌زن‌ها به آن‌ها نمی‌جسد .

اما دیدیم که نیروهای مسلح شاه درست علیه مخالفین با استبدادسلطنتی
به کار افتاد . درحالی‌که امثال بهبهانی (که به واقع سررشته‌افکار ارتجاعی و کهنه
و مردود را در دست داشتند) مورد نوازش شاه بودند و کوچک‌ترین آسیبی از رژیم
شاه ندیدند ، قوای مسلح پس از کشتار وحشیانه‌ای از طرفداران آیت‌ال‌خمينی و
مخالفان اصول خودسری ، خود آیت‌ال‌خمينی را به زندان کشانیده و مورد
نهدید و تعقیب قرار دادند . بعدها دستگاه تبلیغاتی شاه بسیار کوشیدند که
اجتماع و تظاهرات وسیع روز پانزدهم خرداد را به حساب "ارتجاع سیاه" و
"طرفداران اصول کهنه‌پرستی" بگذارد و قضای وحشیانه آن روز را توجیه کند ،
اما نتوانست افکار عمومی را فریب دهد . بخصوص که تلگراف دوتن دیگر از روحانیون
شجاع یعنی آیت‌اله میلانی و آیت‌اله شریعتی خطاب به آقای طالقانی که اینک
در سیاه‌جال زندان شاه به سر می‌برد بیش از پیش پرده از روی دسیسه دولت و
درباریان برداشت . در این تلگراف چنین گفته می‌شود :

" . . . همان‌طور که مکرر اعلام داشته و اکنون تکرار
می‌کنیم مبارزه موجود در سطحی قرار ندارد که بتوان آن
را عقیم نمود . ملتی کاردبه استخوان رسیده بر اثر فشار
ظلم و بیدادگری هیئت حاکمه خود و با ایمان به صحت
راهی که می‌رود مبارزه را علیه حکومت فعلی شروع کرده و
تاریخ به مقصود و ایجاد یک حکومت مشروع و قانونی . . .
از پای نخواهد نشست . . . ملت ستم‌کشیده ایران با کسی
سرجنگ ندارد . او می‌خواهد بیش از این به کسی ظلم
نکند ، بیش از این به حقوق فردی و اجتماعی او تجاوز

نشود. خواست او یکخواست انسانی مشروع است...
حق مردم باید به مردم واگذار گردد و حکومت ملت به
خودش سپرده شود".

این واقعیت‌ها جای تردیدی در شعبده‌بازی دستگاه حکومتی شاه باقی
نمی‌گذارد و تمام دعاوی سازمان امنیت را به‌حواری باطل و توطئه‌ای این
دستگاه علیه مردم را افشاء می‌کند.

اما در قسمت دوم یعنی ادعای دخالت جمهوری متحده عرب در بوجود
آوردن حوادث خرداد:

طبق اعلامیه سابق‌الذکر فرمانداری نظامی در روز ۱۱ خرداد مطابق ۸
محرّم سال گذشته شخصی به نام احمدالقیسی به عنوان خریدقالی به ایران آمده
که جمعا معادل یک میلیون تومان ارزهای مختلف خارجی با خود همراه داشته است.
بعدا وی اعتراف کرده است که این پول‌ها را شخصی به نام عبدالقادر رباط در
اختیار او گذارده که در ایران به افراد معینی رد کند. اطلاع فرمانداری نظامی
در مورد این "عبدالقادر رباط" تاکید می‌کند که وی در سازمان امنیت دارای
پیونده بوده است و آن‌گاه از قول محمدالقیسی اضافه می‌نماید که "پولی‌هایی که
عبدالقادر رباط در بیروت به من می‌داد از طریق دمشق و از افرادی که عمال ناصر
هستند به دست او می‌رسید". اطلاعیه باز از قول همین قیسی می‌گوید "من در
این موقع اطلاع داشتم که غیر از من افراد دیگری... پول به ایران می‌آورند.
اکثر این اشخاص طبق اطلاعی که من داشتم از عمال همان سیاست خارجی بوده
و به اشاره آن‌کار می‌کنند".

این است مجموع مستندات سازمان امنیت (اگر فرض کنیم همه این مطالب
درست و بدون خدشه است) برای متهم دانستن جمهوری متحده عربی. اما
رئیس سازمان امنیت در اطلاعیه خود وعده می‌دهد و عهد می‌کند و اطمینان
می‌دهد که مدارک مثبت برای صحت این مسائل و درستی اتهام به دولت جمهوری
متحده عرب و جمال عبدالناصر در دست دارد که پس از حتم دوران بازرسی
به اطلاع عموم خواهد رسید. در این اعلامیه ضمنا اسامی دوازده نفر عرب دیگر به
عنوان دستیاران و همکاران احمدالقیسی نام برده می‌شوند.

اما رمان می‌گذرد. خون‌هایی که از پیکر مردم بی‌پناه ایران جاری گردیده
خشک می‌شود، آب‌ها از آسباب‌ها می‌افتد، در این میان فقط چهارس از مدعیان
خصوصی شعبان جعفری و از آن حمله‌طیب حاجی‌رضایی اعدام می‌شوند، و هنوز
هم‌که هنوز است نه از آن چنان مدارک ادعائی اثری هست و نه از پایان کار
متهمین خبری. چنان اسم محمدالقیسی و دستیاران انتسابش فراموش شده که
گوئی این‌ها خود هرگز از مادر نزاده‌اند و این رئیس سازمان امنیت و اطلاعات
سوده که درباره اتهامات آن‌ها اعلامیه صادر کرده است.

تاریخ نوین ایران

یک‌اثر ارزنده و سودمند
به‌قلم دانشمند شوروی پرفسور م. س. ایوانف

نقل از مجله دنیا - ارگان تئوریک و سیاسی کمیتهٔ
مرکزی حزب تودهٔ ایران - سال ششم - شمارهٔ
اول - بهار سال ۱۳۴۴

درسوات اخیر از طرف دانشمندان شوروی درباره ایران آثار زیادی انتشار یافته‌است. یک‌سلسله از این آثار مربوط به تاریخ ایران است که بین آن‌ها تالیفات پرفسور م. س. ایوانف از قبیل "تاریخ مختصر ایران"، و بخصوص تاریخ مشروطیت ایران (سال‌های ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱) مقام ویژه‌ای دارد. اخیراً نیز "تاریخ نوین ایران" به قلم دانشمند مزبور منتشر و در دسترس قرار گرفته‌است که مورد بحث ماست.

دائرة وسیعی از مطبوعات فارسی، اسناد مضبوطه در آرشیوهای شوروی، یک سلسله از تالیفات نویسندگان خارجی، آمار رسمی، بولتن‌ها و غیره که در این اثر مورد استفاده نویسنده است ارزش خاصی به آن داده‌است. اثر شامل یازده فصل است که فصل اول آن به تحلیل جامعی از اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران در اوایل سده بیستم و فصل آخر آن به مناسبات ایران و شوروی تخصص یافته‌است.

نه فصل دیگر وقایع سال‌های ۱۹۲۱ - ۱۹۶۳ یعنی دوران از کودتای ۱۲۹۹ تا سال‌های اخیر را دربر می‌گیرد. این دوره از تاریخ ایران تاکنون در اثر جامعی گردآوری نشده و نگارش آن کار قابل توجیهی است که انجام گرفته است. فصول دوم، سوم و چهارم کتاب جنبش‌های آزادیبخش سال‌های پس از انقلاب کبیر اکتبر روسیه که تحت تاثیر مستقیم این انقلاب بوجود آمده، تحلیل نیروهای طبقاتی آن‌زمان و مبارزاتی را که منجر به انقراض سلسله قاجار شده و سلطنت رضاشاه را دربر می‌گیرد. در اوایل این دوره امپریالیسم انگلیس که در نتیجه انقلاب روسیه سلطهٔ

نظامی خود را تا فقار بسط داده بود در مقابل بیروزی‌ها و سسط دامنه این اغلاب محور به عقب‌نشینی شده و کوشید تا نقشه تسلط خود را در ایران از طریق روی کار آوردن رضاخان ریز پرده حکومتی که کویا منگی به خلق است عملی سازد. چکوکی این بروسه و تعبیرات بعدی که در حیات کشور رخ داد تا موقعی که ایران در اثر سازش رضاشاه در آستانه جنگ دوم جهانی به یکی از پایگاه‌های آلمان هیتلری تبدیل گشت در این فصول شرح شده است.

رنده‌ترین بخش اثر مربوط است به وضع ایران در دوران جنگ دوم جهانی و اوج جیش دموکراتیک. وقایع این دوران: فعالیت حزب نوده ایران و نقش آن در مبارزه آزادی‌بخش خلق‌های کشور، نهضت مردم آذربایجان و کردستان، دسائس امیرالایسم و ارتجاع داخلی برای سرکوب جیش با دقت و روشی خاصی شرح شده‌چنان که کویی نویسنده خود شاهد زنده وقایع بوده است.

سهم به‌سزایی - با تفصیلی که حجم محدود اثر اجازه می‌داده است - به مبارزه مردم ایران در راه ملی‌کردن صنایع نفت تخصیص داده شده است. مولف، منظره‌ای حقیقی از چکوکی این مبارزه، جهت صدامریالیستی آن، رقابت دو امیریالیسم در دو امر و همدست شدن آن‌ها هنگامی که مواضع اساسی امیریالیسم به خطر می‌افتد و حالت مستقیم امیریالیسم آمریکادر براداخلن حکومت مصدق، با ذکر نارسایی‌هایی که در کار جبهه ملی و حزب نوده ایران بوده است، درمقال خواننده محسم می‌نماید.

فصل نهم کتاب شامل وقایع دوران بعد از کودتا و تسلط ارتجاع سناه، خیانت رژیم کودتا به منافع ملت ایران و سهاست فصل دهم حاکی از وضع بحرانی و عقب‌نشینی‌های اجباری این رژیم در مقابل نارسایی‌های مردم به شکل انجام اصلاحات ناقص به معنی تثبیت موت وضع خود می‌باشد.

سرتاسر اثر حاکی از احاطه وسیع نویسنده به موضوع و شناخت عمیق اوضاع ایران است. با این حال اثر خالی از نارسایی‌ها و نقائص نیست.

قسمتی از این نقائص جزئی و فاقد اهمیت اساسی است. از آن جمله است مثلا: ذکر این که از پاییز سال ۱۹۲۵ پس از بارداشت‌های ریادی که از فعالیت اتحادیه‌های کارگری و اعضاء حزب کمونیست ایران به عمل آمد، حزب کمونیست مجبور به اختفاشد (صفحه ۶۵) و حال آن که حزب کمونیست ایران برای کیلان، آن هم به هنگام انقلاب، هیچ‌گاه آشکار نمود و همیشه به طور مخفی فعالیت می‌کرد، منتهی از این سال به بعد حزب مجبور به اختفاءحدی شد؛

و یا اظهار نظر درباره اقدامات دولت رضا شاه در مبارزه با روسای ایلات و عشایر باعث کم شدن امکان اعمال نفوذ امیریالیسم انگلیس می‌شد. درصورتی که ذکر این نکته بدون تذکر این که در آن موقع امیریالیسم انگلستان در تعقیب سیاست عمومی ضدشوروی خود و ایجاد و محاصره نظامی شوروی مجبور بود در ایران سیاست تمرکز و تقویت بیروزی نظامی را تعقیب کند می‌نماید زمینه برای

تحلیل‌های غیرواقعی به دست دهد؛

و نکات دیگر از این قبیل . . .

و اما نقص عمده‌ای که به نظر نگارنده نمی‌توان از کنار آن گذشت چگونگی برخورد مولف به اصلاحات اخیر شاه و ارزیابی پاره‌ای وقایع پس از اجراء این "اصلاحات" است .

نظر مولف درباره "اصلاحات" شاه و عیار این "اصلاحات" نظری واقع‌بینانه است . وی آن‌ها را سطحی دانسته و دارای تاثیر عمیق نمی‌شمارد .

ولی در ارزیابی وقایعی که پس از شروع این "اصلاحات" رخ داده است مولف دچار اشتباه می‌شود و مبارزاتی را که شده است غالباً منتسب به مرتجعین و فئودال‌ها می‌داند . حتی وقایع خرداد ۱۳۴۲ نیز تماماً به حساب ارتجاع‌گذارده شده و توجه به شرکت عظیم مردم و این‌که شعارهای آن‌ها به‌طور عمده ضد سلطنت و در جهت سرنگونی رژیم بوده نشده است . برای مولف کتاب که مشخص تاریخ ایرانست تحلیل این موضوع مشکل نیست که چنین تحرک بی‌سابقه‌ای را در مردم هیچ‌گونه نیروی ارتجاعی نمی‌تواند بوجود آورد .

در این مورد بهترین و معتبرترین منبع استفاده برای مولف می‌توانست تحلیل‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار گیرد نه اطلاع این با آن روزنامه یا مجله .

درباره این وقایع در ارگان مرکزی حزب ما گفته شده است " . . . آن چه مسلم است این است که در تظاهرات خردادماه این قبیل جریانات (دادن برخی شعار- های ارتجاعی علیه اصلاحات ارضی و آزادی زنان - ک) فرعی است . مهم توجه به این حقیقت است که اگر ناخشنودی و نفرت از رژیم محمدرضا شاه در درون جامعه ایران انباشته نشده بود ، اگر مردم منتظر فرصتی برای ابرازکینه و خشم خویش نبودند ، بدون تردید هیچ نیرویی نمی‌توانست ده‌ها هزار تن از آن‌ها را با چنین شور و شوق و جانبازی به میدان نبرد با محمدرضا شاه بکشد . . . آن چه هم‌میهنان ما را به جنبش خرداد ماه برانگیخت چیز دیگری جز خواست دیرینه آن‌ها یعنی سقوط رژیم محمدرضا نبود . "

بدیهی است اثری چنین ارزنده مانند "تاریخ نوین ایران" که مختصر منظره- ای از آن در این جا داده شد به تجدید چاپ‌های متعددی احتیاج پیدا خواهد کرد . امیدواریم در نخستین تجدید چاپ ، این نقص نیز کمی تواند تا حدی از ارزش اثر بکاهد بر طرف گردد .

ع. کامخس

از کتاب «انقلاب سفید»

رادیوهای آوارگان بی‌وطن حزب سابق توده ... از این شخص به‌کرات به عنوان آیت‌الله تجلیل کردند .

این پیش‌بینی کاملاً وارد و واقع‌بینانه بود ، زیرا بلافاصله اقدامات تخریبی فراوانی حتی همراه با قتل و شرارت آغاز شد که مهم‌ترین آن‌ها بلوای جنوب و غائله نامیمون تهران در خرداد سال بعد بود . این غائله به تحریک عوامل ارتجاع توسط شخصی صورت گرفت که مدعی روحانیت بود . ولی اصلاً معلوم نیست خانواده وی از کجای دنیا آمده‌است . در عوض مسلم بود که این شخص ارتباط مرموزی با عوامل بیگانه دارد . به‌طوری‌که بعداً دیدیم که رادیوهای آوارگان بی‌وطن حزب سابق توده یعنی حزبی که اصولاً با خداشناسی مخالف بود از این شخص به‌کرات با عنوان آیت‌الله تجلیل کردند و مقام او رابه‌اصطلاح معروف به‌عرش رسانیدند ولو این‌که احیاناً تحریکات این شخص از جای دیگری آب می‌خورد .

صفحه ۴۵ و ۴۶ چاپ اول ، متن فارسی

حزب تودهٔ ایران و خط امام از گزارش پلنوم شانزدهم

پلنوم شانزدهم سمت گیری عمدهٔ فعالیت سیاسی حزب را چنین تعیین کرده بود:

"اولین و مهم‌ترین وظیفهٔ حزب ما در این زمینه (فعالیت سیاسی)، کوشش در این راه است که با همکاری همه‌جانبه با همهٔ نیروهای راستین انقلابی خلق ما و در درجهٔ اول با نیروهایی که تحت رهبری آیت‌الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی بدست آمده را، که باخون ده‌ها هزار مبارز قهرمان آبیاری شده است، تحکیم کند و این نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازد." از پلنوم شانزدهم، اسفند ۵۷

– این ثروت‌ها را که شما دست اشخاص می‌بینید جمع شده است محال است از راه حلال باشد. این‌ها همه‌اش دزدی و خیانت و زدوبند است.

پاریس – امام خمینی

از گزارش پلنوم هفدهم

برجسته‌ترین شخصیت مذهبی - سیاسی و اجتماعی دوران اخیر جامعه ما ، امام خمینی ، که با مبارزه پیکر و آشتی‌ناپذیر خود علیه نظام وابسته و مستبد سلطنتی و تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از اعتماد وسیع‌ترین افشار خلق‌های مهن ما برخوردار بود ، به عنوان رهبر این حاکمیت جدید انقلابی مورد تأیید مردم قرار گرفت .

صفحه ۳۱- از گزارش به هفدهمین پلنوم ، فروردین ۱۳۶۰

— همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را
امروز آمریکا می‌داند .

امام خمینی ، ۱۷ آبان ۵۸

از گزارش پلنوم هفدهم

رهبری حزب با پیروی دقیق و همه‌جانبه و با ارزیابی علمی از واقعیت انقلاب ایران بد این نتیجه رسید که از خط امام خمینی پشتیبانی کند. ما عناصر عمده و تعیین کننده، پنج‌گانه، زیر را در این خط تشخیص دادیم و زندگی دو ساله نشان داد که ما در این تشخیص خود اسناب نکرده‌ایم. چنین اند آن پنج عنصر:

۱- سمت‌گیری قاطع و تزلزل‌ناپذیر در جهت پایان دادن به تسلط همه‌جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا؛

۲- سمت‌گیری قاطع برای ریشه‌کن ساختن نظام استبداد شاهنشاهی و درهم‌کوبیدن پایه‌های بازگشت آن؛

۳- سمت‌گیری در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی برای سروه‌های هوادار انقلاب که همسره از آزادی محروم بوده‌اند، یعنی همان محرومان شهر و روستا، کوخ‌نشینان و مستضعفان؛

۴- سمت‌گیری در جهت ضرورت دگرگونی‌های بنیادی در نظام غارتگر اقتصادی و اجتماعی جامعه به سود غارت‌شدگان و به زیان چپاول‌گران و دردان‌ثروت‌های ملی و دست‌رخ‌زحمتکشان شهر و روستا؛

۵- نکهه بیکبر بر لزوم اتحاد همهٔ نیروهای راستین خلق برای رسیدن به آماج‌های چهارگانه، بالا.

حرب توده‌ای ایران از مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب به این نتیجه رسید که در این خط بسیاری از خواست‌های مردم زحمتکشان میهن ما بازتاب یافته است و

تصمیم گرفت با تمام نیروی خود برای کامیابی‌اش از آن پشتیبانی کند .
صفحه ۹۲ و ۹۳ از گزارش . . . پلنوم هفدهم

– همه قوا را و هرچه فریاد دارید برسر
آمریکا بکشید . هرچه تظاهرات دارید به‌روی
آمریکا بکنید .

امام خمینی ، ۴ آذر ۵۸

– با گرفتن جاسوس‌ها باید بدانند در ایران
باز انقلابی است بزرگ‌تر از انقلاب اول .

امام خمینی ، ۱۵/۸/۵۸

از پیام پلنوم به همهٔ نیروها و سازمان‌ها و نهادهای انقلابی

تنها و تنها وحدت عمل کلیهٔ نیروها و سازمان‌ها و نهادهای انقلابی در زیر رهبری آزموده و با درایت و مقاوم امام خمینی قادر است کار بزرگ آغاز شده را به سرانجام مطلوب خود برساند، یعنی ایرانی مستقل، غیرمتعهد، آزاد، برخوردار از عدالت را در این مرز و بوم کهن برپای دالود و کشورها را به عاملی صلح و ثبات در خاورمیانه و جهان مبدل سازد.

صفحه ۱۷۵ و ۱۷۶ از پیام پلنوم هفدهم به همهٔ نیروها و سازمان‌ها و نهادهای انقلابی

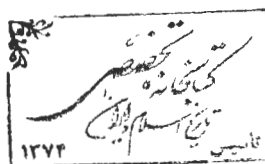
— ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران
کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد.

امام خمینی

از قطعنامهٔ پلنوم هفدهم

حزب تودهٔ ایران در پی کار بزرگ انقلابی مردم ایران، در جهت پشتیبانی از مشی ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی و رهروان راه او، درگسترهٔ مقابله با نیروهای مخالف انقلاب و افشاء دسایس ضدانقلابی، شرکت فعال و موثری داشته است. اعضاء حزب با صداقت و پی گیری تمام در این راه از بذل همه چیز خود تا حد نثار جان دریغ نوزیدند و نمی ورزند. پلنوم مشی برگزیدهٔ حزب را در پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی یک مشی اصولی می شمرد و مقابلهٔ پیگیر حزب را با امپریالیسم، صهیونیسم و ضدانقلاب و نیز مبارزه اش را با لیبرالیسم و قشری گری و انحصارگرایی، روشی درست می داند.

از قطعنامهٔ پلنوم هفدهم، صفحهٔ ۱۹۲-۱۹۳



— سند دست‌های پینهٔ روستائیان است نه
گاغذهای جعلی تدوین شده

امام خمینی
